

شناسایی و اولویت بندی مؤلفه‌های حکمرانی مدیریت سیاسی در

جمهوری اسلامی

علی طیبی رهنی^۱ | سمیرا طیبی^۲

شماره ۳ (۳)

سال ۱

فصل زمستان ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۰۸/۱۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۱۲/۰۴

صص: ۷۵-۵۱

چکیده

امروزه حکمرانی خوب، یکی از شاخص‌های توسعه قرن اخیر، مورد توجه قرار دارد. همچنین در برنامه طرح‌ریزی شده در سازمان ملل متحد نیز موضوع را با عنوان حکمرانی مطلوب مطرح نموده و برای آن مؤلفه‌هایی را بیان نموده است. از این‌رو شناسایی و اولویت‌بندی حکمرانی در مدیریت سیاسی نظام اسلامی که در تراز جمهوری اسلامی باشد از اهمیت زیادی برخوردار است. لذا هدف این تحقیق شناسایی و اولویت‌بندی حکمرانی در مدیریت سیاسی در جمهوری اسلامی است که از روش پژوهش کیفی و با پارادایم تفسیری و با استفاده از منابع موجود در نظام جمهوری اسلامی و همچون، آیات قرآنی، احادیث و روایات، قانون اساسی جمهوری اسلامی و همچنین از طریق روش مطالعه تطبیقی و دیدگاه‌های رهبران و مصاحبه با خبرگان، صاحب نظران و متخصصان استفاده شده است و مؤلفه‌هایی همچون، دولت مردم سالار، دولت پاسخگو و مسئولیت‌پذیر، دولت مشارکتی، دولت عدالت محور، دولت کارا و اثر بخش به‌عنوان مؤلفه‌های الگوی حکمرانی مطلوب مد نظر قرار گرفت و این نتیجه حاصل شده که حکمرانی در مدیریت سیاسی اسلامی برخی شاخص‌های مشترک با حکمرانی خوب داشته و برخی شاخص‌های خاص به خود دارد و در نهایت ۱۵ مؤلفه توسط خبرگان جمع‌بندی، وزن دهی و اولویت‌بندی گردید.

کلمات کلیدی: مؤلفه حکمرانی، مدیریت سیاسی، جمهوری اسلامی

^۱ نویسنده مسئول: استادیار گروه مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران شمال، تهران، ایران.

a_tayyebi_nmir@yahoo.com

^۲ کارشناسی ارشد فرهنگ و زبان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

tr.samira@gmail.com

استاد: طیبی، علی و طیبی، سمیرا (۱۴۰۳). شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های حکمرانی مدیریت سیاسی در جمهوری اسلامی. شناخت پژوهی

مطالعات سیاسی، ۳(۱)، ۷۵-۵۱.

Tayyebi, A., Tayyebi, S. (2025). Identifying and prioritizing governance components in political management in the Islamic Republic. *Cognitive research of political studies*, 1(3), 51-75.



این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه

سیاستگذاری عمومی شاخه‌ای از مدیریت سیاسی است که به مطالعه مجموعه اقدامات حکمرانی می‌پردازد. در این راستا، اقدامات حکمرانی هم به‌عنوان متغیر مستقل و هم متغیر وابسته می‌تواند مورد بحث قرار گیرد. چراکه مجموعه اقدامات حکمرانی موضوعی است که به لحاظ تنوع بسیار وسیع است و حوزه‌هایی چون سیاست بهداشتی، کشاورزی، صنعتی و مالیاتی، دفاعی، آموزشی، حمل و نقل، مسکن، رفاهی و... را در بر می‌گیرد.

در عین حال در چنین حوزه وسیعی موضوعات متنوعی چون نحوه تدوین مسائل سیاستی، چگونگی تبدیل پدیده‌ها به صورت مسئله‌های سیاستی دولت، نحوه تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات حکمرانی و ارزیابی عمل دولتی قابل بررسی است. چنین عرصه متنوع رشته سیاستگذاری عمومی را گاه با چالش بحران هویت، مواجه می‌کند. از این‌رو سیاستگذاری عمومی رشته‌ای سهل و ممتنع است چارچوب متداول مطالعه سیاست‌های حکمرانی که چرخه سیاستگذاری نامیده می‌شود از صورت‌بندی مسئله سیاستی آغاز و با انتخاب راه‌حل‌ها، اتخاذ تصمیم، اجرای سیاست‌ها، اخذ بازخوردها و ارزیابی سیاستی ادامه می‌یابد. اما این چارچوب ساده آنگاه که به موضوعات تخصصی می‌پردازد با پیچیدگی قابل ملاحظه‌ای از موضوعات فنی مواجه می‌شود. انتخاب یک سیاست در حوزه نانو تکنولوژی یا ارزیابی اجرای سیاست دولت در این حوزه تصمیم‌گیری حکمرانی در حوزه فناوری‌های نوین، اجرای سیاست بودجه‌ای دولت و تنها نمونه‌های اندکی از پیچیدگی‌ها را فراروی تحلیل‌گر سیستم‌های حکمرانی قرار، می‌دهد.

رهیافت‌های مدیریتی و عقلانی به سیاستگذاری بر این مبنا استوار است که فرایندی منظم و پشت سرهم از تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی ترسیم می‌کند در حالی که حقیقت سیاستگذاری یک فرایند پیچیده و تعاملی است. لذا رویکرد سیاسی به سیاستگذاری و حکمرانی آن را به مثابه یک بازی سیاسی و خروجی کنش‌های سیاسی و چانه‌زنی گروه‌های منافع می‌بیند، در واقع به عنوان رهیافتی است که روشن‌کننده نقاط تاریک فرایند سیاستگذاری است. لذا رهیافت سیاسی به سیاستگذاری که تحت نام حکمرانی از آن یاد می‌شود، دارای دو ویژگی مثبت است: اول این که الهام بخش طرح‌های تحلیلی و سنتزی در ارتباط با فرایند سیاستگذاری است و دوم این که زمینه‌ساز مطالعات عینی‌تر و واقعی‌تر پیرامون عملکرد مسئولان حکومتی در ارتباط با برنامه‌ریزی و مدیریت سیاسی است. این ویژگی باعث ترکیب عمل و تئوری و توسعه تحلیل سیاست‌ها می‌شود.

خبرگان، صاحب‌نظران و متخصصان حقوق عمومی به نوع، هدف و شیوه حکمرانی خوب توجه کرده و آن را جز اصلی و جداناپذیر گزارش‌ها و توصیه‌های سیاستی سازمان‌های تحقیقاتی و سازمان‌های در سطح جهان از جمله برنامه سازمان ملل می‌باشد، همچنین مفهومی به نام حکمرانی مطلوب را بر سر زبان‌ها انداخته است، این مفهوم که ارتباط دقیق با مفهوم دولت و حاکمیت دارد باید به این مفهوم پاسخ بدهد که چگونه باید حکمرانی نمود در این راستا، مکاتب مختلف، به این سؤالات پاسخ‌های متفاوتی دادند به طوری که امروزه رویکرد طرح ریزی توسعه سازمان ملل بر اساس لیبرالیسم هم آن را بیان نموده و هم برای آن معیارهای معین نموده است و کشورها بر اساس آن مورد ارزیابی قرار می‌گیرد که این امر موجبات آن را فراهم نموده که حکمرانی یک اصطلاح حقوقی و حتی سیاسی مد نظر نباشد بلکه با علومی همچون اقتصاد و حتی اجتماعی گره خورد (Brinkerhoff, 2017)

نتیجه پیگیری‌ها و معیارگذاری طرح‌ریزی توسعه سازمان ملل این شد که کشورها کوشیدند خود را بر اساس این معیارها هماهنگ نمایند و اعمال این معیارها به‌طور طبیعی موقعیت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را متحول می‌سازد به طوری که در کشورهای اسلامی به این دو سطح توجه ویژه شده است:

- در سطح تئوری دیدگاه‌های متفاوتی درباره نسبت نظام اسلامی و حکمران مطلوب وجود دارد؛

- در بعد اجرایی نیز تلاش‌هایی مانند مواردی که در سند ۲۰۳۰ اشاره شده است، بیان‌کننده آن است که بیشتر دغدغه‌های اجرا این مولفه‌ها در کشور وجود دارد.

در نتیجه هم در حوزه تئوری و هم در اجرا، نگرش جامع درباره حکمرانی در نظام اسلامی موجود نیست که به وقوع پیوستن تعارض را هم در حوزه کارکردی و هم در حوزه قانون و قانونگذاری و تدوین راهبرد های سیاسی موجب شود. روند تدوین و مصوب نمودن برنامه‌های گسترش و قوانین مرتبط با حکمرانی این مفهوم را به‌طور دقیق نشان می‌دهند. در این تحقیق با کمک به منابع متعدد آیات روایات قوانین اساسی و دیدگاه رهبران پارادایم نظام اسلامی را در حوزه حکمرانی تعیین خواهد نمود ضمن بیان ماهیت حکمرانی خوب معیارهای کلان و بنیادی آن را که یا ویژگی‌های اصلی آن را نشان داده و یا مفاهیم خاص در این پارادایم دارند را تبیین می‌کند.

۱- مبانی نظری

حکمرانی به‌عنوان مفهومی جدید در ادبیات مدیریت دولتی سابقه‌ای چندان بلندمدت ندارد و عالمان این رشته، آن را به گونه‌های مختلف تعریف و تبیین کرده‌اند؛ از این رو می‌توان حکمرانی را هم‌چون منشوری دید که جلوه‌های مختلفی از یک ماهیت واحد دارد و در جوامع و حوزه‌های مختلف بر حسب ویژگی‌های خاص آن شرایط حالت نسبی پیدا می‌کند و باید آن را به صورت الماس حکمرانی در نظر گرفت. همچنین برنامه‌ریزی و اجرای مدل‌های مختلف حکمرانی مستلزم تمهیدات و ابزارهای خاصی است که بایستی مدنظر خط مشی گذاران و مدیران عالی قرار گیرد. حکمرانی سازمانی سیستمی است که فعالیت‌های سازمان به‌واسطه آن هدایت کنترل می‌شود تلاش این مفهوم توسعه انصاف و برابری، شفافیت و پاسخگویی سازمان است. حکمرانی سازمانی را ترجمه‌ای برای واژه پاسخگویی دانسته‌اند (jamshidi et al, 2020).

مفهوم حکمرانی به مجموعه راه و روش‌هایی که یک سازمان بر اساس آن هدایت مدیریت نظارت و کنترل می‌شود اطلاق می‌گردد. این مفهوم بعد از به وجود آمدن رسوایی‌های بزرگ مالی و مدیریتی در برخی شرکت‌های بین‌المللی در اوایل قرن بیست مورد توجه ویژه محققین قرار گرفته است. البته در دو دهه پایانی قرن بیستم نیز رسوایی‌هایی از سوی شرکت‌های بزرگ به وجود آمده بود، اما به دلایلی مثل عدم توسعه فناوری‌های ارتباطی شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر اینترنت و پایین تر بودن درک اقتصادی مردم از عملکرد شرکت‌ها بازتاب وسیعی نداشت (Mahmoodi & aghaee, 2022). در ادامه به بیان تعاریف و مفاهیم موضوع حکمرانی پرداخته می‌شود:

۱-۱- حکمرانی مطلوب

«حکمرانی مطلوب»، مفهومی است که توسط سازمان‌های جهان در اواخر دهه ۱۹۸۰ وارد ادبیات توسعه شده و بر اساس معیارهای معین، حکمرانی را حاصل تعامل و ارتباط متقابل دولت و کنشگران جامعه مدنی (سازمان‌های خصوصی، گروه‌های ذی نفوذ و رسانه‌ها) جهت نیل به توسعه در هر کشوری می‌داند (Eslami, 2014). شاخص‌های حکمرانی مطلوب از نظر این سازمان‌ها عبارت‌اند از: حاکمیت قانون، مشارکت، شفافیت، وفاق عمومی، پاسخ‌گویی، اثر بخشی و کارایی، حقوق مساوی و مسئولیت‌پذیری (Araei, 2017).

۱-۲- سلامت حکمرانی

در انتقاد از حکمرانی مطلوب، سلامت حکمرانی به برداشت آزاد و متنوع از شیوه و شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای مختلف تأکید دارد و معتقد است که حکمرانی باید مطابق با آداب، رسوم و فرهنگ محلی هر کشور تعریف و سازماندهی گردد. البته همچنان شاخص‌های اصلی در سلامت حکمرانی، همانند حکمرانی مطلوب، رفاه مردم می‌باشد (Eslami, 2014)

۱-۳- تعالی حکمرانی

به روشی از حکمرانی اطلاق می‌شود که مبتنی بر یک تعالیم اسلامی و ارزش‌های الهی برای رسیدن به سعادت دنیوی و در نهایت اخروی مردم در یک ناحیه جغرافیایی و یا گسترده‌تر طرح می‌شود، می‌باشد. بر اساس نظریه تعالی حکمرانی، حکومت از خداوند متعال است و تنها او می‌تواند بر انسان حکمرانی نماید و به همین دلیل حکمرانان تا زمانی دارای مشروعیت هستند که از تزکیه نفس و مقبولیت برخوردار هستند و تنها مجری احکام الهی می‌باشند (Pour'eini, 2019)

۱-۴- تبیین حکمران مطلوب^۱

حکمرانی مطلوب در ادبیات توسعه جهانی نشان دهنده آن است که در بخش دولتی به چه میزان منابع عمومی را برای منافع عمومی صرف می‌نمایند. حاکمیت و حکمرانی به معنی فرایند تصمیم‌گیری و عملیاتی نمودن تصمیمات می‌باشد (Jaloodarlo, 2016). حکمرانی، به فرایندی اطلاق می‌شود که توسط آن، سازمان‌ها و حتی جوامع، تصمیم‌های مهم خود را اتخاذ می‌نمایند. همچنین تعیین می‌کند چه افرادی در این فرایند درگیر هستند و چگونه وظیفه خود را باید انجام دهند.

از یک سو می‌توان گفت حکمرانی، مبحثی است که مرتبط با نحوه تعامل دولت‌ها و سازمان‌های اجتماعی با همدیگر است و از سوی دیگر به شیوه ارتباط حکمرانان و دولت‌ها با شهروندان و نحوه تصمیم‌گیری در دنیای پیچیده را شامل است. این نوع حکمرانی در سازمان باید حکمرانی اطلاعاتی، حاکمیت فناوری و در نهایت حکمرانی دیجیتال سازمان نیز معمول گردد. استفاده از این روش در سازمان موجب افزایش شفافیت در سازمان شده، مفاسد اداری را کاهش داده و سلامت سازمانی را نتیجه می‌شود (Pour'eini, 2019).

¹ Good governance

در بیان دیگر، حکمرانی به تغییر در توازن گذشته میان دولت و جامعه مدنی مربوط می‌شود و نشان می‌دهد حکمرانی به همان طریق که ساختارهای رسمی دولت‌ها، یکی از وسایل اتخاذ و اجرای تصمیم‌ها هستند، در سطح ملی هم ساختارهای غیررسمی وجود داشته باشند. این ادعا از چشم‌انداز حکمرانی، وجود دارد که جامعه مدنی و بخش خصوصی به واسطه میزان و نقش آفرینشان در حل مسائل جمعی، بدون تکیه بر منابع رسمی دولت تعیین می‌شوند (Mirbagheri et al., 2022).

در دنیایی امروز، «حاکمیت» را تحت عنوان «روشی که بر مبنای آن قدرت بر مدیریت اقتصادی منابع اجتماعی و یک کشور برای احصای توسعه اعمال می‌شود» تبیین شده است. در یک تعریفی جامع‌تر «حکمرانی مجموعه‌ای از شیوه‌های عمومی و خصوصی، فردی و نهادی است که امور مشترک مردم را اداره می‌نماید. حکمرانی فرایندی پیوسته بوده که به وسیله آن منافع متضاد یا متنوع را همساز نموده و اقدامات همکاری جویانه اتخاذ می‌شود. به دیگر بیان، حکمرانی شامل نهادهایی رسمی و نظام‌هایی است که برای قدرت ضمانت رعایت قانون، می‌باشند. ضمن آن که قراردادهایی که ماهیت غیررسمی دارند و مردم و نهادها برسر آن توافق کرده‌اند یا درک می‌نمایند که به نفع آن‌ها باشد (Mohammadi & Danaeefard, 2019).

حکمرانی خوب شامل محترم قراردادن نهادها و سیاستمداران به اصول دموکراسی، حقوق بشر و حاکمیت قانون است. همچنین حکمرانی مطلوب به‌طور دقیق به موضوع مدیریت منابع در بخش عمومی جهت نیل به اقتصادی پایدار و شیوه‌های توزیع عادلانه می‌پردازد (Ahmadvand, 2011). یک بنیان اساسی برای ویژگی‌های حکمرانی خوب، معیارهای هشت گانه‌ای است که توسط طرح‌ریزی و توسعه سازمان ملل و بانک جهانی طرح شده‌اند. این معیارها عبارت‌اند از (Alvani & Shams, 2023):

- حاکمیت قانون ۱
- مشارکت ۲
- اجماع سازی ۳
- شفافیت ۴

1 Role Of Law
2 Participation
3 Public Cause
4 Transparency

- مسئولیت پذیری^۱
- کارایی و اثربخشی^۲
- عدالت و انصاف^۳
- پاسخگویی^۴

۵-۱- جمهوری اسلامی

به شیوه‌ای از حکومت جمهوری اطلاق می‌شود که بر پایه احکام دین مبین اسلام اداره شده و در موارد مختلفی کاربرد دارد. برخی از رهبران دینی اسلامی، آن را به عنوان نامی برای شکل نظری از حکومت دین‌سالار اسلامی بر مبنای قوانین سازگار با دین یا اجرای احکام، به کار می‌برند (Pourmohammad & Salimian, 2016). در مواردی دیگر هم، به عنوانی در اشاره به هویت فرهنگی - مذهبی یک کشور به کار می‌رود (Sheikholeslami, 2008).

۶-۱- مدیریت سیاسی

مدیریت سیاسی را می‌توان به این صورت تعریف کرد. که اجرای سیاست‌های دولت بر اساس تحلیل کارشناسی و حل مسایل خاصی که عموماً تأثیر گسترده‌ای بر مردمی دارد که تحت نظارت دولت زندگی می‌نمایند. مدیریت سیاست به منظور بهبود شرایط مردم و در عین حال به معنای تضمین این است که بوروکراسی دولتی به خوبی حفظ شود. در این مورد، ذینفعان سیاست تضمین می‌کنند که هم دولت و هم منافع عمومی برآورده می‌شوند (Mikenson, 2019).

۲- پیشینه تحقیق

آنچه امروز تحت عنوان حکمرانی تبیین می‌شود، در اندیشه بشر سابقه بسیار طولانی داشته و به صورت‌های مختلف در آثار محققان، خبرگان و صاحب‌نظران مطرح شده است. از نظر سیاسیون کلاسیک همواره نظم سیاسی مطلوب حول محور «حکمرانی مطلوب» با چه کسی باید حکومت نماید؟ تعریف شده است. ولی در علوم سیاسی جدید آنچه اهمیت دارد، ناظر بر نحوه تنظیم امور سیاسی یا به بیان بهتر «چگونگی حکمرانی» که اهمیت یافته است، می‌باشد. حکمرانی و حکمفرمایی در تمام جوامع دنیا اساس و بنیان یکسانی ندارد، بلکه باید مبتنی بر فرهنگ متمایز ویژه خود و تاریخ

1 Responsiveness
2 Efficiency
3 Equity
4 Accountability

خاص نهاد و دولت‌های آن باشد تا از یک سو مشارکت سیاسی مردم را جلب نموده و از سوی دیگر، به شکاف و بیگانگی بین دولت و مردم فائق آید و از پتانسیل ارزش‌های مشترک دست‌اندرکاران جامعه در راه رسیدن به هدف‌های توسعه‌ای استفاده کنید (Keping, 2019).

مفهوم حکمرانی، به اندازه تمدن بشری قدمت دارد. به طوری که حکمرانی به معنای فرایند تصمیم‌گیری و عملیاتی شدن تصمیمات اطلاق می‌شود. در سال‌های اخیر حکمرانی به موضوعی داغ در مدیریت دولتی تبدیل شده است. که این مهم به دلیل نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع بازی می‌کند. بدین منظور است که کوفی عنان، دبیر کل اسبق سازمان ملل متحد؛ بیان می‌کند: حکمرانی مطلوب، مهم‌ترین عامل در ریشه کن شدن فقر، عامل رشد و توسعه در جامعه و سازمان می‌باشد.

تا پیش از دهه ۱۹۸۰ مدیریت دولتی به صورت سنتی، پارادایم مطرح در حوزه مدیریت بود. با ظهور ابعاد منفی و نقاط ضعف آن، در سال‌های بعد در کشورهای همچون انگلیس و آمریکا، پارادایم جدیدی به نام مدیریت دولتی نوین، متولد شد و پیمانکاری و خصوصی‌سازی را شعار خود قرار داد. اما وعده‌های این جریان جدید فکری هم در کشورهای توسعه دهنده آن، سرابی بیش نبوده و به سرعت مشخص شد این پارادایم توان فراهم آوری خیر و رفاه در خور و عادلانه‌ای برای شهروندان ندارد. در نتیجه انسان مجدداً به جستجوی پارادایم‌های جدیدتر برآمد که ظهور خدمات عمومی جدید و حکمرانی مطلوب از آن جمله است (Helliwell, 2018). اولین مرجعی که در این خصوص مباحثی را مطرح نمود، بانک جهانی است که در گزارشی در سال ۱۹۸۹ آن را به عنوان ارائه خدمات عمومی کارآمد، نظام قضائی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخگو تعریف کرد. بانک جهانی، مبدع واژه حکمرانی و توسعه دهنده این عنوان است. ریشه‌های نظری این مفهوم به کارهایی که افرادی مانند مک لالین در انگلستان انجام داده اند برمی‌گردد (Foley, 2018).

محمدحسین خوش بیان در پایان نامه کارشناسی ارشد به «نهادزدایی و نهادسازی‌ها در دوران پهلوی و پیامدهای آن در جمهوری اسلامی ایران» می‌پردازد. وی معتقد است که انقلاب اسلامی همه نهادهای موجود را بر مبنای اسلام تأسیس کرده است به طوری که حرکت بنیادین در جهت نهادسازی در جامعه صورت نگرفت و همه ساختارها و نظامات بر مبنای دوره پهلوی اول، البته با ساختاری جدیدتر و مدرن‌تر بنا نهاده شد.

قدسی عزیزاده سیالب در رساله دکتری به مطالعه تطبیقی سبک رهبری امام خمینی و آیت الله خامنه‌ای با تأکید بر اجماع سازی و نهادسازی می‌پردازد. نگارنده معتقد است که نهادسازی از

جایگاه ویژه‌ای در اندیشه سیاسی و سیره عملی امام خمینی^(ره) و آیت الله خامنه‌ای برخوردار است و مؤلفه‌هایی چون بحران‌های سیاسی و شرایط زمانی خاص و توجه به ارزش‌های جامعه در ایجاد نهادسازی تأثیرگذار و مهم بوده است (alizadeh Saylab & Ghafari Hashjin, 2019).

اصغر توسلی در پایان نامه ثبات سیاسی در دولت‌های بعد از انقلاب اسلامی ایران به مشروعیت رشد نهادهای سیاسی، میزان مشارکت، فرصت‌ها و محدودیت‌های موجود در دولت‌های پس از انقلاب تا دوران خاتمی پرداخته و مقیاس درجه ثبات سیاسی را در این دولت‌ها بر اساس مشکلات موجود و جنجال‌های سیاسی داخلی و خارجی از جمله جنگ تحمیلی می‌داند.

خسرو قبادی در رساله دکتری «نقش نهادها مدنی در شکل‌گیری و نهادینه‌سازی حکمرانی خوب در ایران (۱۳۹۵-۱۳۷۶)» بر این باور است که نهادهای مدنی علی‌رغم محدودیت‌ها و موانع پیش‌رو دارای نقش و برخی از فعالیت‌های آن‌ها مؤثر بوده است.

از سوی دیگر با توجه به پیشینه فکری و پژوهشی در حوزه الگوی اسلامی و ایرانی پیشرفت می‌توان گفت که مجموعه آثار با این نگرش در ایران در سه نسل قابل ارزیابی است؛ نسل اول شامل اثرهایی است که با رویکردی توصیفی و اثباتی به بررسی رابطه دین و توسعه می‌پردازد و دین اسلام را نه تنها مانع توسعه و پیشرفت مادی نمی‌دانند؛ بلکه آن را موافق و راه‌گشای توسعه حیات مادی معرفی می‌نمایند که آثار اشخاصی نظیر مرحوم آل احمد، بازرگان و شریعتی در این جرگه موارد قرار دارند. در این آثار به صورتی کلی مفاهیم اسلامی موافق توسعه و تغییر اجتماعی لیست شده است. نسل دوم آثاری را در برمی‌گیرد که با رویکردی واکنشی به ایدئولوژی‌های غیراسلامی به ویژه مارکسیسم و لیبرالیسم تألیف شده و با نگرشی سلبی به روش‌های غیربومی و با دقت و ظرافت بیشتر در پی معرفی احکام اسلامی به‌عنوان دینی کامل و جهانشمول برآمده است. آثار اقتصادی از مرحوم طالقانی، شهید مطهری، شهید بهشتی و شهید صدر در این طبقه قرار می‌گیرند. نسل سوم نیز مشتمل بر آثاری است که با رویکردی ایجابی و با ظرافت‌هایی بیشتر از دو نسل گذشته، بر مبانی فکری «توسعه» اتکاء دارد و توسعه را به مثابه ضرورتی انکارناپذیر از دیدگاه اسلام معرفی می‌نماید و در عین حال می‌کوشد راهکارهای اجرایی توسعه و طرح ریزی برای توسعه را مورد توجه قرار دهد. آثار از اقتصاددانان حوزوی به‌ویژه در دوره پس از انقلاب اسلامی ایران را می‌توان در این حوزه ارزیابی کرد. با این حال، در اکثر آثار مذکور هنوز به دلایل متعدد، بیشتر تشریح کلیات و مبانی فکری و فقهی توسعه و طرح ریزی پیشرفت در اسلام مورد توجه بوده و کمتر بر کارآمدی و توانمندی‌های فکری و فرهنگی «سبک زندگی اسلامی- ایرانی» به‌ویژه در مقوله بایسته‌های الگوی

شناسایی و اولویت بندی مؤلفه‌های حکمرانی مدیریت سیاسی در جمهوری اسلامی

آنچه تاکنون در باب پیشرفت، آن هم بر اسلامی و ایرانی پیشرفت تأکید شده است. بدین ترتیب، ظاهراً مبنای نگاه فلسفی و نه اخباری به شریعت اسلامی و شیعی تبیین شده؛ بیشتر بیان کلیات بوده است و کمتر بر مباحث فرهنگ سازی یا الگوسازی استوار بوده است. در حالی که در پژوهش اخیر با نگاهی فرهنگی به مبنای آموزه‌های حکمرانی خوب به مقوله پیشرفت کوشیده است تا حد امکان بایسته‌های تدوین الگوی کارآمد و اثربخش اسلامی و ایرانی بیان شود (Perghan et al., 2022).

جدول-۱. پیشینه در یک نگاه

ردیف	عنوان	نویسنده	محل نشر
۱	حکمرانی خوب و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران	محمد امامی، حمید شاکری	پژوهشنامه حقوق تطبیقی/ سال اول/ شماره ۲ / پاییز و زمستان ۱۳۹۴
۲	امکان‌سنجی اجرای نظریه حکمرانی خوب در جوامع اسلامی با تأکید بر جمهوری اسلامی	محمد هادی مفتاح و دیگران	فصلنامه پژوهش تطبیقی اسلام و غرب سال دوم، شماره دوم، ۱۳۹۴
۳	حکمرانی خوب، الگوی درونزای توسعه جمهوری اسلامی ایران	تقی پاشایی، حمید سرمدی	تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۴۴، ۱۳۹۷
۴	حکمرانی خوب، حاکمیت و حکومت در ایران،	محمد حسین زارعی	مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۰، ۱۳۸۳
۵	حکمرانی شایسته بررسی و شاخصه‌های این دوازده دیدگاه امیرالمؤمنین علی (ع)،	علی حسینی تاش، قادر علی واثق	اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، سال سوم، شماره ۱۲، ۱۳۹۳
۶	جنبه‌های درونی نظریه حاکمیت قانون در پرتو دکترین حکمرانی خوب	محمد امامی، مشتاق زرگوش	پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، سال سوم، شماره ۸، ۱۳۷۸
۷	حاکمیت خوب و امکان پیاده‌سازی آن در ایران	فرج‌اله رهنورد، باقر عباسپور	مطالعات مدیریت تحول، شماره ۱۱، ۱۳۸۶
۸	تبیین حکمرانی خوب در نهج البلاغه با رویکرد روشی زمینه‌گرا	خلیل سردارنیا، حمید شاکری	مجله مطالعات حقوقی، دوره ششم، شماره ۱، ۱۳۹۳

(Source: Author)

۳- روش تحقیق

روش تحقیق کیفی و در نظر گرفتن پارادایم تفسیری و بهره‌برداری از علم فلسفه و از طریق منابع موجود در جمهوری اسلامی، همچون، آیات، احادیث و روایات، قانون اساسی و دیدگاه‌های رهبران استفاده نمود همچنین روش جمع آوری و تحلیل اطلاعات به صورت زیر می‌باشد:

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

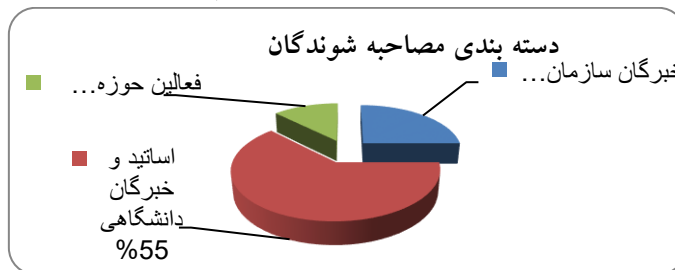
• روش مطالعه‌ی تطبیقی: بخشی از این پژوهش به مطالعه‌ی انجام شده در گذشته پرداخته می‌شود؛

• مصاحبه با صاحب نظران و متخصصان: متخصصان و افراد صاحب نظر در حوزه مدیریت دولتی و حکمرانی و مدیریت راهبردی که در این زمینه دارای تجربه و تخصص می‌باشند و دارای اطلاعاتی می‌باشند که امکان کسب آن اطلاعات از اشخاص دیگر میسر نمی‌باشد، به همین جهت مصاحبه با این اشخاص می‌تواند در پیشبرد پژوهش مؤثر باشد. سپس در مصاحبه با خبرگان و صاحب نظران داده‌های حاصل شده از مصاحبه جمع‌آوری شد.

۳-۱- جامعه آماری و نتایج حاصل از آن

• برای نیل به مؤلفه‌ها، می‌بایست عوامل مؤثر در این راستا، مورد مطالعه قرار گرفته شود و از طریق مصاحبه با صاحب‌نظران از میان مطالعه انجام شده، سؤالاتی در راستای رسیدن به مؤلفه‌ها طرح‌ریزی گردید؛

• در تجزیه و تحلیل توصیفی حاصل از مصاحبه، محقق داده‌های جمعیت‌شناسی جمع‌آوری شده از مصاحبه را با استفاده از ابزارهای تجزیه تحلیل توصیفی مناسب بررسی نموده است. همانطور که در نمودار (۱) بیان شده است در تجزیه تحلیل سازمانی (۱۷٪) از مصاحبه شدگان صاحب‌نظر در حوزه حکمرانی و میزان (۲۷٪) به‌عنوان خبره سازمان‌های سازمان‌های دولتی و مقدار (۵۵٪) از اعضای هیئت علمی و اساتید محترم دانشگاه‌ها می‌باشند.



نمودار-۱. رده‌ی سازمانی مصاحبه شدگان (Source: Author)

۴- یافته‌ها

۴-۱- یافته‌های حاصل از منابع موجود

بر اساس مطالعات انجام شده، برخی از صاحب نظران با ابعاد سیاسی را در الگوی حکمرانی مطلوب به شرح ذیل بیان می‌کنند.

شناسایی و اولویت بندی مؤلفه‌های حکمرانی مدیریت سیاسی در جمهوری اسلامی

جدول-۲. ابعاد سیاسی در الگوی حکمرانی مطلوب

مؤلفه‌ها	خصوصیات
دولت مردم سالار	اصول حاکمیت مردم حاکمیت دولت به جای تصدی گری آن شهروند مداری برابری سیاسی شهروندان مدیریت شفاف انتخاب شهروندی، محوریت قانون
دولت پاسخگو و مسئولیت پذیر	مدیریت پاسخگو پاسخگویی شهروندی همراهی مسئولیت و قدرت نظارت صاحبان اصلی قدرت شهروندان ممیزهای مالی و برنامه‌ای.
دولت مشارکتی	مشارکت آزاد و واقعی ایجاد تشکلهای مدنی قدرتمند ایجاد رسانه‌های آزاد و نیرومند، مشارکت دادن شهروندان و سایر کنش گران در فرایند تصمیم گیری.
دولت عدالت محور	دسترسی اقلیت‌ها به ساختار قدرت حق برابر شهروندی مدیریت متکی بر عدالت و انصاف.
دولت کارا و اثر بخش	مدیریت دولتی متعهد فزونی نیروهای تحول آفرین کیفیت و توان بالای نیروی انسانی مشارکت همه کنش گران در هدف گذاری نگرش راهبردی و تعیین دقیق راهبرد.

(Azimi Shushtari, 2020)

۲-۴- یافته‌های حاصل از مصاحبه

بر اساس داده برداری از ۱۱۷ فرم مصاحبه مؤلفه‌های زیر به‌عنوان مؤلفه‌های نهایی تأکید گردیدند:

۱. حاکمیت اصولی الهی، معاد، عدل و امامت؛
۲. ثبات سیاسی؛
۳. کارایی و اثر بخشی (کارآمدی)؛
۴. کنترل فساد؛
۵. شفافیت؛
۶. پاسخگویی؛
۷. حاکمیت قانون و قانون مداری؛
۸. حفظ کرامت و ارزش والای انسانی؛
۹. استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش برای پیشبرد؛

۱۰. راهبرد برای رسیدن به حیات طیبه؛
۱۱. استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و همبستگی ملی؛
۱۲. وجود رهبران با تقوا؛
۱۳. صلاحیت مدیران؛
۱۴. روابط خارجی مصلحانه؛
۱۵. مشارکت و حاکمیت مردمی.

۳-۴- حاکمیت اصولی الهی، معاد و عدل

الف) اصل عدم تقدم بر خدا و رسول خدا

به عنوان اصل معیار و فراگیر، اولین اصل، اصل عدم تقدم بر خداوند و رسول اکرم (ص) است. عدم تقدم بر خداوند، منظور با پیامبر است و عدم تقدم بر رسول خدا، وظیفه مؤمنان را در مقابل مکتب تعیین می کند. هر جا خداوند یگانه و پیامبر خدا حکمی دهند (چه در حوزه نظری چه در حوزه عملی) باید از آن تبعیت شود، یعنی در همه علوم انسانی اصل عدم تقدم بر خدا و سپس عدم تقدم بر رسول خدا حاکم می باشد.

ب) آخرت گرایی و هدف گذاری (معاد)

بعد از توحید، اصل مشترک دوم در همه ادیان توحید محور، اصل معاد و اعتقاد به حیات اخروی و زندگی جاوید است. آورده های اصل آخرت گرایی در مدیریت اسلامی شامل:

- ایجاد حالت چالش پذیری در مدیریت؛
- اجتناب از آفت دنیا زدگی؛
- سایه افکندن اصل آخرت گرایی به فضای حکمرانی اسلامی موجب آن گردد که از بهره برداری فردی کاسته و به کارائی جمعی افزوده گردد.

آخرت گرایی موجب آن می شود که انسان را به سعی و اداری کند. این سعی چیزی بیش از حرکت معمول است. در واقع تلاشی است که بر آن شتاب معقولی وجود دارد.

ج) عدالت در حاکمیت

با توجه به این که مهم ترین اهداف حکمرانی اسلامی برپایی عدالت می باشد، هر برنامه و سیاستی باید در جهت تحقق این هدف سامان یابد تا نیل به سوی مهم ترین هدف تشکیل حکومت به درستی صورت پذیرد.

مبنا قراردادن عدالت در سیاست گذاری‌ها به قدری اهمیت دارد که همه برنامه‌ها و حرکت‌ها باید با آن هماهنگ شوند. در منظر پیشوای عدالت جهان حضرت علی^(ع) عدالت، ارزشی فراگیر و محوری دارد و این ارزش فراگیر و محوری برتر از هر خدمت اجتماعی دیگر می‌باشد. در نظام اسلامی، خدماتی که به اجتماع ارائه می‌شود، حرکتی است برای پرکردن فاصله ایجاد شده از بی‌عدالتی تا زمانی که عدالت به گستردگی حاکم گردد و همه را در بر بگیرد، نه این که عدالت محور سیاست گذاری‌ها نبوده، بی‌عدالتی مردمان را به فلاکت بکشاند و به جای برپایی عدالت، به خدمات اجتماعی دل خوش نماید. البته خدمات اجتماعی در جایگاه خود، مفید و گرانقدر است، اما اگر خدمات اجتماعی، بدون سوگیری عدالت‌جو و فارغ از ارکان عدالت انجام شود، راه به جایی نخواهد برد، زیرا هر چه فاصله‌ای که با خدمات اجتماعی دارد پر شود، از بی‌عدالتی، شکاف‌های به مراتب عمیق‌تر ایجاد می‌گردد. در چنین شرایطی که سیاست گذاری‌ها عدالت محور نباشد آهنگ حرکت بی‌عدالتی با سرعت و آهنگ رشد خدمات اجتماعی با کندی حرکت خواهد نمود و روز به روز این فاصله‌ها بیشتر شده و شکاف‌ها عمیق‌تر خواهد شد (Sephernia, et al., 2019).

۴-۴-۱- ثبات سیاسی

ثبات سیاسی سه شاخص کلیدی دارد: فرهنگ، سیاست و اقتصاد. ثبات سیاسی ناظر بر تداوم نسبی، پاسخگویی به خواسته‌های مردم و کارکردهای صحیح نظام است که تعیین کننده بقاء یک نظام سیاسی می‌تواند باشد.

آنچه در تبیین مسئله ثبات سیاسی حائز اهمیت است، استفاده از دیدگاه‌های علمی و در کنار آن گفتمان امام خمینی^(ره) و مقام معظم رهبری در ادامه و بقای جمهوری اسلامی می‌باشد که به‌طور اجمال می‌توان گفت آن بزرگواران در بحث ثبات سیاسی به عدم اختلال در کارکرد نظام سیاسی و اجتماعی اشاره کرده‌اند و از واژه‌هایی مانند نقش کارگزاران، اقتصاد و نیازهای مردم، فقر و محرومیت، باورها و ارزش‌های دینی، مشارکت مردم، اعتماد بنفس، اسلامیت و خواست مردم (عوامل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) استفاده نموده‌اند. منتهی در برخی موارد علاوه بر موارد مذکور، بر اختلال در کارکرد محیطی و بیرونی (از ناحیه قدرت‌های خارجی) نیز اشاره داشته‌اند (Perghan, et al., 2022).

۴-۴-۱- کارایی و اثر بخشی (کارآمدی)

تعریف مورد نظر از کارآمدی نظام سیاسی در دو سطح تئوریک و عملی ارائه می‌شود. کارآمدی تئوریک عبارت است از: ظرفیت و توانایی نظام سیاسی در تحقق اهداف معقول (واقعی)

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

زندگی بشر. بنابراین کارآمدی عملی عبارت است از میزان تحقق یا نزدیک شدن به اهداف معقول زندگی بشر با توجه به امکانات و موانع. قید معقول در تعریف برای خارج کردن آن دسته از تعاریفی است که صرف تحقق، اهداف حکومت‌ها را برای کارآمدی آن‌ها کافی می‌دانند؛ جدای از این که آن اهداف، معقول و متناسب با حقیقت وجودی انسان، یا اهدافی پنداری باشند (صادقیان و همکاران، ۱۳۹۹).

مهم‌ترین معیارهای کلان کارآمدی نظام سیاسی عبارت‌اند از:

الف) افزایش اخلاق، تقوا و معنویت؛

ب) تأمین معیشت متناسب؛

ج) آزادی مسئولانه؛

د) عدالت همه‌جانبه؛

و) استقلال.

۴-۲-۴-۲- کنترل فساد

اگرچه کنترل فساد خود یکی از معیارهای اصلی در الگوی حکمرانی مطلوب است؛ ولی این ارتباط را می‌تواند دوطرفه تحلیل کرد. بر این اساس دیگر شاخص‌های حکمرانی مطلوب با توجه به تأثیراتی که بر ساختار اجتماعی و ماهیت نظام سیاسی دارد، می‌تواند از جنب‌های مختلف: اقتصادی، سیاسی، اداری، اجتماعی و فرهنگی، بر کنترل فساد مؤثر باشند (Sephernia, et al., 2019).

۴-۳-۴-۳- شفافیت

مهم‌ترین تعهد یک حکمرانی شایسته، ضمانت حقوق شهروندی و حقوق بشر است و در این راستا، «شفافیت» یکی از ویژگی‌های روشن حکمران شایسته می‌باشد که به‌عنوان سازوکاری مؤثر حامی حقوق اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی شهروندان، تلقی شده و قدرت را به نقطه تراز مورد انتظار نائل می‌کند و راهکاری با ارزش برای مبارزه با پدیده‌های مانند فسادهای اقتصادی و سیاسی باشد که از مهم‌ترین چالش‌های سیاسی و حقوقی هر جامعه‌ای می‌توان در نظر گرفت. در این راستا، هرچند مفهوم حقوقی شفافیت، این روزها مفهومی تازه است، ولی اصل معنا و مفهوم شفافیت را می‌توان در آموزه‌های علوی ملاحظه نمود (rajabi farjad, H., Azab daftari, 2019).

۴-۵-۴-۵- پاسخگویی

پاسخگویی یکی از اصطلاحات کاربردی در عرصه‌های مختلف مدیریتی، سیاسی و اجتماعی است. در فرهنگ سیاسی بومی، در رابطه با مفهوم و اصطلاح پاسخگویی، تأمل جدی در موضوع

صورت نپذیرفته است، اما این واژه در فرهنگ علوم سیاسی، در ذیل مباحث چندی بررسی می‌شود؛ از جمله معادله‌ای بحث پاسخگویی در زبان انگلیسی واژه Responsibility است. از اصطلاحات نزدیک به پاسخگویی، مسئولیت پذیری می‌باشد که البته با اعتماد و اطمینان و پرسشگری نیز مرتبط است.

این تعاریف واژگان از پاسخگویی نشان دهنده آن است که این مفهوم، کاملاً مفهومی اجتماعی و تحت تأثیر متغیرهای متفاوتی قرار دارد. پاسخگویی هم نوعی رابطه در عرصه مدیریتی و میان مدیران و مردم است و هم این که مفهومی وابسته به رفتارهای افراد با یکدیگر است. نظام پاسخگویی نوعی تبادل است که طی آن طرفین مردم و دولت بخشی از اختیارات و قدرت خود را در مقابل نیازهایی از قبیل آسایش و امنیت با طرف مقابل مبادله کرده و پاسخگویی اداری از نشانه‌های مطلوبیت و کارایی در هر نظام اداری است و یکی از ابزارهای اصلی مبارزه با فساد و ناکارآمدی به حساب می‌آید و دستیابی به آن از هدف‌های اصلی اصلاحات اداره امور عمومی محسوب می‌شود و کارکرد پاسخگویی اطلاع‌رسانی به شهروندان از عملکرد مسئولان دولتی و چگونگی فرآیندهای سیاسی است تا آن‌ها بتوانند قضاوت و واکنش مناسب به اقدامات دولت را دریابند (Perghan, et al., 2022).

۴-۵-۱- حاکمیت قانون و قانون مداری

مهم‌ترین آورده حقوق عمومی نوین، موضوع حاکمیت قانون است که هدف آن قانونمند بودن نهاد حاکمیت و ساختاردهی مجاری اعمال قدرت حکومت بر شهروندان می‌باشد. در نظام حقوقی غرب نیز به‌ویژه سنت حقوقی کامن‌لا، عرف و روش‌های قضایی مرجع اصلی قانونگذاری هستند که به وسیله روش عقلی و تجربی و در سایه دو اصل «قانونی بودن» و «مستدل بودن» موجب تضمین اصل حاکمیت قانون می‌شود. از دیدگاه نظام حقوقی در دین مبین اسلام؛ نظام حقوقی مشروع، نظام حقوقی منطبق و پایه‌ریزی شده بر مبنای احکام الهی است که با اعتقاد اصیل و مبنایی نظام سیاسی فقه شیعه به تبعیت همه افراد حتی رهبری جامعه مسلمین از قانون قوام یافته است (Araei, 2017).

۴-۵-۲- حفظ کرامت و ارزش والای انسانی

یکی از مهم‌ترین حقوق هر انسان حفظ کرامت انسانی او است. در حکمرانی اسلامی، کرامت انسانی را تا حدی مهم دانسته‌اند که در قانون اساسی بیان شده است: نظام جمهوری اسلامی نظامی بر پایه ایمان به کرامت انسانی و ارزش والای انسانی است. در این راستا محورهای مهم به شرح ذیل نیز مورد تأکید قرار گرفته شده است (rajabi farjad & Azab daftari, 2019). مانند برخورداری

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

از حقوق مساوی، مصونیت از تعرض، ممنوعیت تفتیش عقاید، ممنوعیت سانسور، استراق سمع و هرگونه تجسس، آزادی انتخاب شغل، برخورداری از تامین اجتماعی و...

۴-۵-۳- استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش برای پیشبرد

به کاربردن علوم و فنون و تجارب پیشرفته و تلاش در پیشبرد آنها، جهت حفظ کرامت و ارزش‌های والای انسانی، به‌عنوان یکی از ستون‌های نظام، مصداق توجه قانونگذار اساسی به پذیرش و استفاده ابزارها، پدیده‌ها و موقعیت‌های جدید تحول یافته کنونی، در عین پایبندی به اصول و ارزش‌های خود است که در کلام مقام معظم رهبری نیز به‌گونه‌ای دیگر تجلی یافته است (Mahmoodi & aghaee roozbahani, 2022)

۴-۵-۴- راهبرد برای رسیدن به حیات طیبه

حیات طیبه اصطلاحی قرآنی است که در آیه ۹۷ سوره نحل، به‌عنوان پاداش ایمان و عمل صالح بیان شده است. در آیات قرآن، واژه طیب در مقابل خبیث به معنای پلید ظاهری یا باطنی و مورد تنقیر به کار رفته است. حیات طیبه، نوعی حیات حقیقی انسانی است که حیات دنیوی با همه گسترده‌گی‌اش بستر آن و حیات اخروی با جاودانگی و اهمیتش تبلور این حیات حقیقی است. این حیات اصیل و حقیقی، واقعیتی فراتر از حیات ظاهری دارد که در همین دنیا حاصل می‌گردد. حیات طیبه برخاسته از مرتبه تعالی‌تر از روح انسانی می‌باشد انسان مؤمن در سیر تعالی معنوی خود که به نحوی تولدی پس از تولد می‌باشد، به افاضه الهی از دل ایمانش مؤید به روحی می‌گردد که حیات طیبه نتیجه آن می‌شود.

مفسران در باره معانی حیات طیبه نظرات مختلفی ارائه کرده‌اند:

- ولایت‌مداری؛
- سعادت؛
- رزق حلال؛
- بهشت؛
- قناعت؛
- توفیق به اطاعت پروردگار؛
- استغناء از خلق و نیاز به پروردگار.

در راهبردهای رسیده به حیات طیبه، ولایت‌مداری مهم‌ترین رکن است؛ چراکه امام علی^(ع) در نهج‌البلاغه، ولایت‌مداری، کسب رزق حلال و قناعت را از مهم‌ترین راهبردهای رسیدن به حیات

طیبه عنوان کرده و می‌فرمانید حرکت در مسیر ولایت زمینه تحقق تمامی این ارکان را در زندگی انسان فراهم می‌کند.

۴-۵-۵- استقلال سیاسی، اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و همبستگی ملی

در حقیقت استقلال سیاسی، به «قدرت و توانایی حاکمیت در اداره امور داخلی خود و امور خارجی خود بدون آن که نظر و موافقت یک دولت دیگر را جلب کند» بیان می‌گردد؛ یعنی آزادی سیاسی ملت و حاکمان در برابر بیگانگان. مطابق همین برداشت، تفاوت آن با استقلال اقتصادی، فرهنگی، نظامی و... در مقابل بیگانگان روشن می‌گردد. مراد از استقلال سیاسی ملت و حاکمیت کشور در مقابل اجانب است؛ به بیان دیگر مفهوم که در این جمله خلاصه می‌شود همان جمله معروف است: «نه شرقی، نه غربی» که حضرت امام خمینی^(ره) در چندین سخنرانی، مقصود از استقلال سیاسی را تبیین فرموده‌اند: استقلال سیاسی، بسیار شفاف، روشن و همه فهم است چنانچه فرمایش امام و رسم رهبری معظم له چنین بود که مفاهیم و مسائل مختلف علمی را به زبان ساده و روان به ملت بیان می‌نمودند. همچنین معظم له با این تعابیر از استقلال سیاسی یاد می‌کردند: «غلام حلقه به گوش دیگران نباشیم» - «مستعمره و اسیر نباشیم» - «دیگران در امور ما دخالت نکنند» - «خودمان مملکت را اداره کنیم و سرپرست نداشته باشیم» - «حاکم ما دست نشانده نباشد» - «حاکم ما نوکر نباشد» - «پایگاه‌ها از مملکت ما برچیده شود نتوانند به ما تحمیل کنند» - و در (۳۰ / ۱۱ / ۵۷) گفتند: «نه به طرف چپ و نه راست باشیم و باید مستقل باشیم تحت لوای اسلام» و بسیار مطالب دیگر که حضرت امام^(ره) به ما ملاک‌هایی می‌دهند که اگر می‌خواهید استقلال سیاسی داشته باشید باید چگونه باشید؟ چگونه بودن در مقابل حاکمان را با صراحت بیان می‌کنند، این بود مقصود از استقلال سیاسی (Sadeghian gharaghiea, et al., 2020).

۴-۶- وجود رهبران با تقوا

رهبری با تقوا یکی از معیارهای حکمرانی است و در عین حال دلیل لزوم با تقوا بودن امام است. حاکمیت رهبر با تقوا تجلی حاکمیت مطلق خداوند متعال است. این مهم در آیات، احادیث و روایات و هم در قانون اساسی کشورهای اسلامی به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به روشنی بیان شده است و در این رویکرد صلاحیت به صورت تشکیکی بوده و شامل طیفی شده که در آن حداقل و حداکثر وجود دارد که رهبر ایده‌آل و آرمانی می‌باشد و رهبری را در جامعه آرمانی بر مبنای اسلام را بر عهده گرفته است و در عصر غیبت (دوره حرکت به سوی جامعه مطلوب) نیز باید رهبری به کسی سپرده شود که بیشترین شباهت را به او دارا باشد (جوادی

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

آملی، ۱۳۸۹). نکته دیگر قابل اهمیت این که در هر زمان کسی که در بتواند در مجموع شرایط از نفرات دیگر برتر باشد او رهبر واقعی مردم تلقی شده و باید خبرگان او را شناسایی نمایند در نتیجه این مهم، نمی تواند فقط در فرایند دموکراتیک معین شود.

شرایط رهبر با تقوا در حکمرانی در جدول زیر بیان شده است.

جدول-۳. شرایط رهبر صالح در حکمرانی

ردیف	شاخص	ردیف	شاخص
۱	عقل: عقلانیت بالا و به‌کارگیری آن در تصمیم‌گیری	۸	بینش سیاسی و اجتماعی (بند ۳ اصل یکصد و نهم)
۲	بلوغ	۹	مدیر و مدیر ^۳ (بند ۳ اصل یکصد و نهم)
۳	اجتهاد مطلق (اصل یکصد و نهم)	۱۰	زهد و ساده‌زیستی (موسوی خمینی، ۱۳۸۶: ج ۲۱، ص ۲۸۹)
۴	عدالت (موسوی خمینی، ۱۳۹۰: ج ۱، ۲۴۷)	۱۱	کاردانی و لیاقت (همان: ج ۵، ص ۴۴۹)
۵	مرد بودن (همان)	۱۲	شجاعت (بند ۳ اصل یکصد و نهم)
۶	طهارت مولد یا حلال‌زاده بودن (همان)	۱۳	توانایی برقراری رابطه عاطفی با مردم (بیانات رهبری در ۱۳۶۸/۹/۱۹)
۷	سلامت (اصل یکصد و نهم)		

(Azimi Shushtari, 2020)

۴-۶-۱- صلاحیت و شایستگی مدیران

از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران، حضرت آیت الله خامنه‌ای، کسی که مدیریت را در اختیار می‌گیرد به تناسب اهمیت و حساسیت مسئولیت و وظایفش باید صلاحیت لازم را داشته باشد و صلاحیت‌ها و شایستگی‌های زیر برایش ضروری به نظر می‌رسد.

شناسایی و اولویت بندی مؤلفه‌های حکمرانی مدیریت سیاسی در جمهوری اسلامی

جدول-۴. ویژگی و شایستگی مدیران

ردیف	ویژگی	ردیف	ویژگی
۱	نصب پرمبنای اصل شایسته‌سالاری (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۲۴)	۱۶	نظارت و دقت نظر در کار زیردستان (همان)
۲	قانون مداری (همان)	۱۷	پیگیر بودن (همان)
۳	ساده‌زیستی و خودداری از اشرافی‌گری (امام خمینی، ۱۳۸۶: ج ۱۹، ۱۵۷-۱۵۸)	۱۸	امانت و درستکاری و پاکدستی (همان)
۴	انقلابی‌گری (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۸/۵)	۱۹	پاسخگو بودن (همان، ۱۳۸۰/۶/۵)
۵	حضور در میان مردم (همان)	۲۰	جرات و جسارت انجام دادن کارهای بزرگ (همان) و داشتن روحیه خطرپذیری (همان، ۱۳۹۶/۶/۴)
۶	تجربه بالا و تخصص (همان)	۲۱	دیانت و معنویت ^۱ و اخلاص (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲/۹/۲۶)
۷	انضباط اداری (همان)	۲۲	احساس خدمت‌گذاری (همان، ۱۳۸۴/۵/۱۲)
۸	استقامت (همان، ۱۳۸۲/۹/۲۶)	۲۳	تواضع و فروتنی و نفی استعلا و برتری‌طلبی (همان)
۹	درک فرصت‌ها (همان)	۲۴	صداقت (همان)
۱۰	مدیر، مدیر و کارآمدی (همان)	۲۵	انتقادپذیری (همان)
۱۱	حسن سابقه (همان)	۲۶	سلامت جسمی (همان)
۱۲	عشق به مردم	۲۷	قدرت تصمیم‌گیری
۱۳	معتقد به ولایت فقیه و وفادار به آن	۲۸	پرتحرکی (همان)
۱۴	دوری از چاپلوسان و متملقان (امام خمینی، ۱۳۸۶: ج ۱۹، ۳۷۰)	۲۹	قاطعیت در عمل (همان: ج ۰۷، ۳۷۵)
۱۵	تفکر راهبردی		

(Azimi Shushtari, 2020)

۴-۶-۲- روابط خارجی مصلحانه (مصلحت ورزی)

مصلحت به مانند یک رویکر قبلی کننده در فقه است که به عنوان ملاک جعل سیاست‌های کلان در سیاست خارجی نظام اسلامی مد نظر قرار دارد و به مانند رویکرد بعدی، علاوه بر آن که اجرا و کاربست آن در گرو ضوابطی همچون استقلال کشور، حفظ نظام در عرصه نظامی و انتظامی، هم‌گرایی در نظام بین‌الملل، نفی سلطه بیگانگان و دور ماندن از ضرر قرارداد شده است، اولویت‌گذاری در سیاست‌ها تدبیر امور و حل تزاوجات را عهده‌دار شده و منافع جامعه اسلامی بر محور غایات اسلامی را در عرصه‌های کلانی همچون اقتصاد، امنیت و حقوق، مورد بررسی قرار گرفته است و با وجود به کار بستن مصلحت در مکاتب سیاسی، همه سیستم‌ها و نظامات سیاسی اسلام به واسطه ضوابط و ملاک‌های حاکم بر شریعت و اخلاق محوری، روشی از مصلحت‌ورزی متفاوت از سایر مکاتب را پیدا نموده که در عرصه جهانی از مصلحت‌ورزی‌های سایر سیستم‌ها متمایز خواهد شد (Sheikholeslami, 2008)

۳-۶-۴- مشارکت و حاکمیت مردمی

هیچ حکومتی بدون مشارکت مردم قدرت و توان تداوم و پیشبرد اهداف تعیین شده خود را ندارد و حکومت اسلامی نیز از این مهم استثناء نمی‌شود به همین دلیل، بررسی نقش مشارکتی و جایگاه مردم در اداره‌ی حکومت اسلامی و راهکارهای تحقق آن ضرورت دارد. بر این اساس مفهوم مورد نظر از مشارکت سهیم و شریک شدن و مسئولیت پذیری مردم در امر اداره حکومت اسلامی و در راستای دستیابی به اهداف والای آن است دو رکن مسئولیت پذیری و یاری دادن در مسیر دستیابی به اهداف بسته به نوع حق یا تکلیف بودن مشارکت متفاوت است این در حالیست که سیر حرکت و مسیر اصلی مشارکت بر محور اهداف مشترک قرار دارد. بر اساس مجموعه مبانی مذکور به‌ویژه مقدمه واجب می‌توان نتیجه گرفت که مشارکت عمومی در حکومت اسلامی تکلیف شرعی مردم است. از این رو مطالعه حق هم سطحی وجود دارد تکلیف مشارکت در عرصه‌های گوناگون در حکومت اسلامی نیز باید متناسب با حق هم سطح آن تعریف شود (Vahedi, 2023).

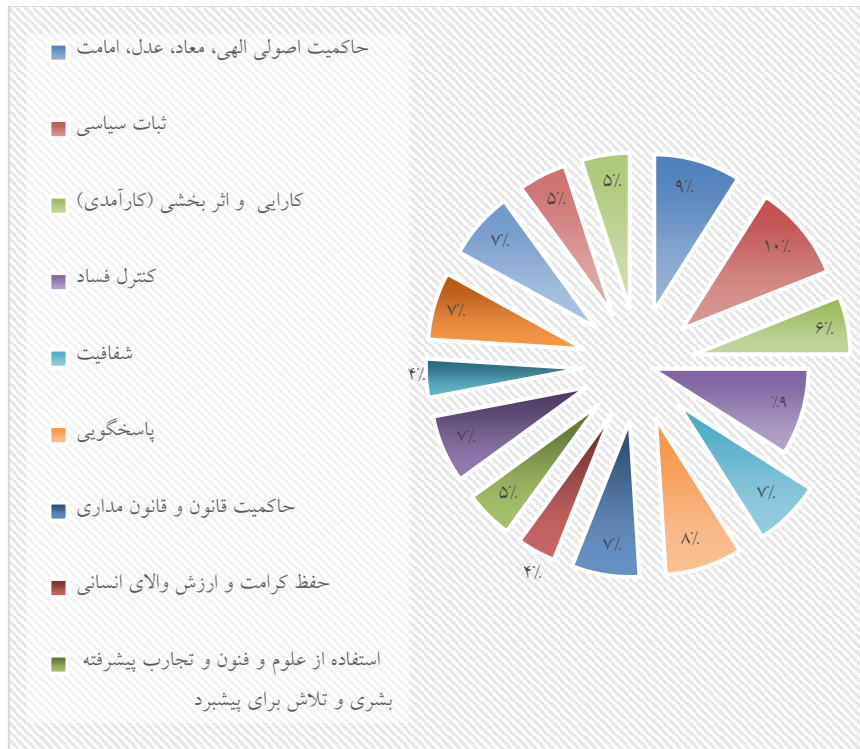
نتیجه‌گیری

معیارهای حکمرانی خوب و مطلوب در دنیای امروز به مثابه یک سیستم ارزیابی وضعیت حکمرانی در کشورهای دنیا به محسوب می‌شوند و کشورها براساس معیارها و مؤلفه‌های تعریف شده مورد ارزیابی و اولویت بندی قرار می‌گیرند. این اندیشه در حال حاضر از مقبولیت قابل توجهی برخوردار است. بانک جهانی براساس معیارهای تعریف شده، وضعیت حکمرانی در کشورهای مختلف را بررسی و گزارش آن را به طور رسمی و علنی منتشر می‌کند. این گزارش‌ها در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها و قضاوت‌ها و مباحث داخلی و خارجی مبنا امور قرار دارد و به همین نسبت در سرنوشت کشورها اثر می‌گذارد.

قطعاً، شکاف بین دولت و مردم در جوامع (به‌طور کلی کمتر توسعه یافته‌اند) ریشه در شرایط تاریخی، اجتماعی و فرهنگی در این گونه کشورها دارد و این مهم به‌عنوان مانع جدی در تحقق حکمران خوب می‌باشد. با این وجود می‌توان بیان نمود که حکمرانی به‌طور کلی تجویزی نمی‌باشد. از طرف دیگر شرایط پررنگ دولت در فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نشان از ضعف‌های اساسی در سیستم حکمرانی دارد. لذا به هر اندازه که مؤلفه‌های حکمرانی در قوانین اساسی بیشتر رسوخ نماید می‌توان انتظار تحقق حکمرانی در مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی را داشت.

شناسایی و اولویت بندی مؤلفه‌های حکمرانی مدیریت سیاسی در جمهوری اسلامی

لذا بر اساس نظر خبرگان، مؤلفه حکمرانی در مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی بر اساس وزن نرمال خبرگان اولویت بندی شد.



نمودار ۲- اولویت بندی مؤلفه‌ها (Source: Author)

پیشنهادات

به‌عنوان پیشنهاد در این تحقیق می‌توان گفت جهت تحقق حکمرانی در مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی با توجه به تحقیقات انجام شده در عرصه عمل دارای فراز و نشیب‌های بسیاری می‌باشد و لزوم تغییرات اساسی در نقش دولت‌ها و حکمرانان و تغییر نقش آفرینی آن‌ها به تسهیل و کمک کنشگران فعال در عرصه‌های حقوقی اجتماعی و در نهایت سیاسی کشور نیاز می‌باشد.

در مجموع پیشنهاداتی برای یک حکمران خوب در مدیریت سیاسی جمهوری اسلامی:

۱. آموزش تربیت و تعلیم و تلقین رفتارها و گرایشات درست از اجزای شکل دهنده

یک نظام خدمات کشوری شایسته و لایق است، به‌طوری که گرایش و توانایی

ایستادن در مقابل فشار وارده از گروه‌هایی که به‌دنبال منافع فردی هستند را در بر

داشته باشد و خود را وقف خدمت به عموم نماید؛

۲. ایجاد سازمان‌هایی به منظور بازبینی و تراز کردن دقیق جهت کنترل از دولت گرفته تا بخش خصوصی، جامعه مدنی و خانواده‌ها، به گونه‌ای که دولت‌ها قوانین و مقررات بیش از حد و غیرضروری را بر بنگاه‌ها وضع نمایند، سازمان‌های خصوصی نیز دولت را با رشوه تطمیع نمایند و جامعه مدنی موجب فساد در جامعه نشود، بلکه دولت‌ها را پاسخگو نماید؛
۳. فرصت‌هایی برای شرکت دادن مردم در تصمیم‌گیری‌هایی که بر زندگی و کار مردم اثر گذار است، فراهم شود. در عین ایجاد فرصت‌هایی جهت دستیابی مردم به قدرت یابد و افرادی که در مرکز قدرت قرار دارند در مقابل عموم مردم پاسخگویی داشته باشند؛
۴. ایجاد یک محیط اقتصاد در سطح کلان و دارای ثبات، فاقد تورم و بیکاری وسیع یا عدم توازن در تراز پرداخت‌ها؛
۵. فراهم نمودن فرصت‌های بیشتر برای تحقق فقرا به خود اتکایی و رفع موانع جهت رسیدن به موفقیت در بازار. به بیان دیگر باید شرایط طوری فراهم شود که فقرا به نحوی بتوانند به مواد غذایی خدمات بهداشتی، زمین، آموزش، تربیت، منابع تولیدی اشتغال عمومی، اعتبارات و در نهایت قدرت سیاسی، دسترسی پیدا نمایند.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان، مقاله پیش‌رو فاقد هر گونه تعارض منافع بوده است.

Translated References to English

- Ahmadvand, S. (2011). Contemporary Islamic Movements (Islam and Democracy). Tehran: Nashr-e Ney. [In Persian]
- Alvani, M., Shams, L. (2023). Foundations of Governance. Tehran; Allameh Tabataba'i University Press. [In Persian]
- Araei, V. (2017). Good Governance. Tehran; Farhangian University. [In Persian]
- Arrow, K., Bowles, S., Durlauf, S.N. (2018). Meritocracy and economic inequality. Princeton University Press.
- Alizadeh Saylab, G., Ghafari Hashjin, Z. (2019). Consensus in the Leadership Style of Imam Khomeini and Ayatollah Khamenei. , 9(32), 113-136. [In Persian]
- Azimi Shushtari, A.A. (2020). The Nature and Indicators of Governance in the Political System of the Islamic Republic. Islamic Politics Research, 7(16), 125-155. [In Persian]
- Bessel, R., Feuchtwanger, E.J. (2019). Social change and political development in Weimar Germany (Vol. 3). Routledge.
- Biitir, S.B., Nara, B.B. (2016). The role of Customary Land Secretariats in promoting good local land governance in Ghana. Land use policy, 50, 528-536.

- Brinkerhoff, D.W. (2017). Accountability and good governance: concepts and issues. In International development governance (pp. 269-287). Routledge.
- Cordis, A. S., & Warren, P.L. (2014). Sunshine as disinfectant: The effect of state Freedom of Information Act laws on public corruption. *Journal of Public Economics*, 115, 18-36.
- Ddink, H. (2019). Good governance: Concept and context. Oxford University Press.
- Devaney, L. (2016). Good governance? Perceptions of accountability, transparency and effectiveness in Irish food risk governance. *Food Policy*, 62, 1-10.
- Eslami, M.R. (2014). A Comparative Analysis of the Theory of Good Governance in Islamic Economics and Conventional Economics. Thesis - Faculty of Economics - Research Institute of Economics. [In Persian]
- Flanagan, C., Gill, S., Gallay, L. (2014). Social participation and social trust in adolescence: the importance of heterogeneous en coun ters. *Processes of community change and social action*, 149.
- Foley, C.F., Goldsmith-Pinkham, P., Greenstein, J., Zwick, E. (2018). Opting out of good governance. *Journal of Empirical Finance*, 46, 93-110.
- Helliwell, J.F., Huang, H., Grover, S., Wang, S. (2018). Empirical linkages between good governance and national well-being. *Journal of Comparative Economics*, 46(4), 1332-1346.
- Jaloodarlo, P. (2016). E-Government and Good Organizational Governance. Giva, Sadako Scientific Research Club. [In Persian]
- Jamshidi, E., seyedameri, M., Abbasi, H. (2020). The Effect of Organizational Governance on Employees Innovative Behavior in Ministry of Sports and Youth of Iran with Role Moderetor Trust Orgonazition. *Applied Research in Sport Management*, 9(2), 23-40. [In Persian]
- Kejing, Y. (2018). Governance and good governance: A new framework for political analysis. *Fudan Journal of the Humanities and Social Sciences*, 11(1), 1-8.
- Mahmoodi, J., aghae roozbahani, A. (2022). thematic clusters in the field of organizational governance science. *Management Research in Iran*, 26(2), 43-69. [In Persian]
- Makinson, J.C., Schaerf, N., Wagner, B. P., Oldroyd, Beekman, M. (2019). How to use fitness landscape models for the analysis of collective decision-making: a case of theory-transfer and its limitations. *BIOLOGY & PHILOSOPHY*, 34(1).
- Mirbagheri, S.M. , Rafiei Atani, A.O., Parsanejad, M. (2022). Designing a Conceptual Model of Participatory Governance in Iran: A Grounded Theory Approach. *Strategy*, 31(2), 195-218. [In Persian]
- Mohammadi, N., Danaeefard, H.A. (2019). Model of Collaborative Governance for Renewable Energy Development in Iran: an Institutional Perspective. *Quarterly Journal of Energy Policy and Planning Research*, 5 (3) :67-95. [In Persian]
- Perghan, V., Yaghobi, N.M., Keikha, A. (2022). Identifying and Prioritization of Good Governance Effective Factors Focused on a Sustained Development Approach. *Public Management Researches*, 15(55), 93-123. [In Persian]
- Pour'eini, M. (2019). Good Urban Governance: Empowering Women and Tourism. National Conference on Women and Rural Tourism Development. [In Persian]
- Pourmohammad, M., Salimian, Z. (2016). The Efficiency of Religious Government. Summary of Articles from the International Conference on Islamic Humanities. [In Persian]
- Rajabi farjad, H., Azab daftari, A. (2019). The Effecting for Good Governance with Organizational Health and the mediating role of Political behavior. *Public Administration Perspective*, 10(1), 141-170. [In Persian]
- Sadeghian gharaghiea, S., Rasoli, R., Tabarsa, G., Ghorbani, A. (2020). Designing an Empowerment Model Based on Good Governance: A Qualitative Approach. *Journal of Research in Educational Systems*, 14(Special Issue), 37-52. [In Persian]

نشریه شناخت پژوهی مطالعات سیاسی

- Sephernia, R., Alborzi, M., Kermanshah, A., Azar, A., Sephernia, R. (2019). A Creative Model of Transparency in Good Governance for Policymaking Organizations in Iran, Innovation and Creativity in Humanities. Sokhan-e Danesh, 9(2), 77-102. **[In Persian]**
- Sheikholeslami, M. (2008). Islamic Government and Its Leadership from the Perspective of Imam Khomeini (RA). Islamic Government, 4(24), 24-44. **[In Persian]**
- Vahedi, S. (2023). Examining the componets of good governance from the perspective of the islamic revolution. scientific journal Political Sociology of the Islamic Revolution, 3(4), 275-288. **[In Persian]**